عنوان لوح : لوح غلام الخلد ( **هذا غلام الخلد** ...)

مطلع لوح : **هذا ذکر ما ظهر سنه الستین فی ایام الله المقتدر المهیمن العزیز العلیم اذا**

  **قد فتح ابواب الفردوس و طلع غلام القدس بثعبان المبین ...**

مخاطب : اهل عالم

محل نزول : بغداد

سال نزول : در ایام رضوان ( آپریل 1863 میلادی )

لسان نزولی : در دو قسمت عربی و فارسی

مآخذ مطالعه در باره این اثر:

 1- ایام تسعه , عبدالحمید اشراق خاوری ،ص 92-99

 2- نفحات ظهور حضرت بهاءالله جلد 1 ، ص 230 -231

اهم مواضیع موجود در این لوح :

 1- این لوح مبارک در وصف عظمت یوم الله است . یومی که در آن حقایق مستوره در خزائن غیب بفضل حق بر اهل عالم عرضه گردیده است .

 " **اذا قد فتح ابواب الفردوس … فیا بشری هذا علام الخلد قد جاء بسر عظیم و هذا من نقطه فصلت عنها علوم الاولین و الاخرین … قد جاء یکشف عظیم و نزل عن سرادق الجمال حتی وقف کالشمس فی قطب السماء** …"

 2- توصیف خصائل ممتازه این ظهور مبارک : ( اسم عظیم ، روح عطیم ، کشف عظیم …) " **فیا بشری هذا غلام الخلد قد جاء بامر عظیم … قد جاء بامر منیع … قد جاء بروح عظیم … قد جاء بنور قدیم … قد جاء بسر عظیم …** "

 3. این لوح در تجلیل سالگرد بعثت حضرت نقطه اولی ( حضرت باب ) از قلم اعلی نازل گشته است .

 "  **قد جاء بعلم عطیم … قد جاء بکشف عظیم … بجمال عظیم …**"

 4- اوصاف مطهر امرالله در این لوح مبارک : ( این اوصاف در وصف عظمت امرالله نیز صادق است )  **جمال الغیب ، حوریه البهاء ، حوریه الخلد ، جمال عظیم ، جمال الخلد ، روح عظیم ، اسم عظیم ، حسن عظیم ، طراز عظیم ، نور عظیم ، جذب عظیم ، صور عظیم ، نور قدیم ، علم عظیم ، کشف عظیم ، غلام القدس ، غلام روحانی ، جمال سبحانی ، جمال ذوالجمال ، جمال جانان …**

5- اوصاف شریعه الله در این دور بدیع  **ماء معین ، امر عظیم – امر بدیع – سر عظیم – علم عظیم – عطر عظیم – حمر باقی – تجلیات قدس صمدانی**

6- موقع قرب و وصال است چه که صبح هدایت دمیده و شمس حقیقت طالع گشته است . " … **ای عاشقان جمال ذوالجمال و ای والهان هوای قرب ذوالجلال هنگام قرب و وصال است نه موقع ذکر و جدال …"**  " **غلام روحانی که در کنائز عصمت ربانی مستور بود بطراز یزدانی و جمال سبحانی از مشرق صمدانی چون شمس خقیقی و روح قدسی ؟ طالع شد …** "

 7- تشویق به انقطاع از جمیع ما سوی الله و توجه به حق " … **اگر صادقید معشوق چون صبح صادق طاهر و لائح وهویدا است از خود و غیر خود بلکه از هستی و نیستی و نور و ظلمت و ذلت ئ عزت از همه بپزدازید و از نقوش و اوهام و خیال دل بردارید … "**